

فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال هفتم شماره بیست و هشتم، پاییز ۱۳۹۵ (صص ۵۰-۲۵)

تحول سیاست خارجی هند

(در عمل گرایی اقتصادی دولت های عضو شورای همکاری خلیج فارس)

سجاد بهرامی مقدم***

محمد تقی زاده انصاری**

احمد جانسیز*

چکیده

هند از ۱۹۴۷ تا اواخر دهه ۱۹۸۰، سیاست جهان سوم گرایی را در پیش گرفته بود که با مشخصه های کلیدی تلاش برای همبستگی جهان سوم، خودبستگی اقتصادی و عدم تعهد تعریف می شد. از اواخر دهه ۱۹۸۰، سیاست خارجی جهان سوم گرایانه هند به سیاست عمل گرایی اقتصادی دگرگون شده است. این مقاله سعی دارد به جستجوی عوامل و چگونگی تغییر سیاست خارجی هند نسبت به حوزه دولت های عضو شورای همکاری خلیج فارس بپردازد. یافته ها نشان می دهد که سیاست خارجی هند در نسبت به دولت های حوزه شورای همکاری خلیج فارس از اوایل دهه ۱۹۹۰، بر اساس الزامات توسعه اقتصادی هند بازتعریف شده است و در این زمینه تقاضای فزاینده هند برای واردات نفت و گاز، جذب سرمایه گذاری های خارجی، گسترش بازارهای صادراتی در کنار رقابت ژئوپولیتیکی با پاکستان و چین مولفه های سازنده سیاست خارجی هند هستند. در تمایز با گذشته مولفه های اقتصادی به مراتب بیش از مساله ژئوپولیتیکی رقابت با پاکستان در تعریف رهیافت سیاست خارجی هند نسبت به دولت های حوزه شورای همکاری خلیج فارس تاثیرگذار بوده است، دگرگونی چین از دولتی با گرایشات انقلابی به دولتی توسعه گرا نیز بر تمرکز هند بر عمل گرایی اقتصادی در این حوزه نیز موثر بوده است. در این مقاله روش مورد استفاده روش تبیینی است و چشم انداز نظری در تجزیه و تحلیل داده ها نیز نظریه موازنه منافع است.

کلید واژه ها: هند، دولت های عضو شورای همکاری خلیج فارس، سیاست خارجی

*Email: jansiz@guilan.ac.ir

**Email: ansari@ihcs.ac.ir

***Email: ansari@ihcs.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۱۸

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه گیلان

استادیار علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دانشجوی دکتری روابط بین الملل گروه علوم سیاسی دانشگاه گیلان

تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۱۵

مقدمه

در اگوست ۲۰۱۵، نارندرا مودی نخست وزیری هند از امارات متحده عربی بازدید کرد، که اولین بازدید نخست وزیری هند از امارات متحده عربی، در طول ۳۴ سال گذشته محسوب می شود. متعاقب آن در دهلی نو، رسانه های رسمی حزب بهاراتیا جاناتا، این دیدار و سخنرانی عمومی مودی در دبی را نقطه عطفی در سیاست خارجی هند نسبت به حوزه عربی خلیج فارس خواندند، و آن را با بازدید و سخنرانی نارسیمهارائو نخست وزیری وقت هند در سپتامبر ۱۹۹۴ در سنگاپور مقایسه کردند که طی آن، راثو اعلان داشت که رهیافت جهان سوم گرایانه کشورش نسبت به جنوب شرقی آسیا، پس از چهار دهه به عمل گرایی اقتصادی متحول شده است. راثو در سنگاپور اصول سیاست جدید هند نسبت به آسیای جنوب شرقی را ذیل استراتژی نگاه به شرق اعلان داشت، که بر اساس آن منافع تجاری، بازرگانی، و دسترسی بیشتر به فن آوری، سرمایه و بازارهای جنوب شرقی آسیا جایگزین الویت های جهان سوم گرایانه چهار دهه پیش از آن می شد.

در واقع سیاست خارجی هند از بدو استقلال تحت نفوذ کلیدی نهر، به اخلاق گرایی، عدم تعهد به قدرت های بزرگ، تلاش برای همبستگی کشورهای جهان سوم، تلاش برای رهبری جهان سوم، حمایت از جنبش های آزادی بخش ضد استعماری و نگرش های منفی به سرمایه داری مبتنی بود که تحت عنوان جهان سوم گرایی شناخته شده است. در واقع نارسیمهارائو در سخنرانی تاریخی اش در سنگاپور در سپتامبر ۱۹۹۴، اعلان داشت که هند خود را از تعهد به جهان سوم گرایی رها کرده و سیاست هایی عمل گرایانه با هدف توسعه اقتصادی در پیش گرفته است، این سیاست عملگرایانه نسبت به حوزه جنوب شرقی آسیا با عنوان سیاست نگاه به شرق شناخته شد. سپس تحت تاثیر دست آوردهای آن، در ژولای ۲۰۰۵، مانموهان سینگ نخست وزیری وقت هند سیاست نگاه به غرب را اعلان داشت، که می بایست ذیل این سیاست، تحول سیاست خارجی هند در حوزه وسیع خاورمیانه و شمال آفریقا از جهان سوم گرایی به عمل گرایی اقتصادی پی گیری شود.

بنابراین اصولی را که نارندرا مودی در بازدید رسمی اش از امارات متحده عربی به مثابه مولفه های سیاست هند نسبت به حوزه خلیج فارس، مورد اشاره قرار داد، در متن تحول سیاست خارجی هند از جهان سوم گرایی به عمل گرایی اقتصادی و در مقیاسی کوچکتر در متن سیاست نگاه به غرب، قابل درک است که خود پرسش از تحول سیاست خارجی هند را برجسته می نماید و این که در متن چنین تحولی، روابط هند و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس دستخوش چه دگرگونی و تحولاتی شده است.

۱. چارچوب تئوریک: نظریه موازنه منافع

رندل شولر نظریه موازنه منافع را از نقد نظریه سیاست بین الملل والتز آغاز می کند. والتز بر این باور است که برای دولت ها با انگیزش بقا به مثابه اصلی ترین بازیگران در عرصه بین المللی، فشار ساختار آنارشیک سیستم بین المللی بیش از هر محرک دیگری بر رفتار آنها تاثیر می گذارد. والتز بر این است که در سیستم خوینار، فشار رقابت به مراتب سنگین تر از فشارهای سیاسی و ترجیحات ایدئولوژیکی است. اما نظریه سیاست بین الملل والتز توضیح نمی دهد که دولت ها دقیقا چگونه به این فشارها پاسخ می دهند. شولر بر این باور است که نظریه نئورالیستی والتز ممکن است علت ناکامی سیاست یک دولت خاص را تبیین کند اما نمی تواند تمایز رفتار دولت ها را توضیح دهد. شولر علاوه بر فشارهای ساختاری به متغیرهایی توجه دارد که در سطح واحدها بر چگونگی پاسخ آنها به فشارهای بیرونی تاثیر می گذارد. به عبارتی شولر با کاربست متغیرهای داخلی و خارجی نظریه موازنه منافع را برای تبیین رفتار دولت ها در آنارشی ارائه می کند. از این منظر علاوه بر فشارهای سیستم بین المللی، عوامل داخلی از قبیل ارزش های انقلابی و عوامل نهادی بر رفتار دولت ها تاثیر می گذار و با توجه به این که این متغیرها در درون دولت ها متفاوت هستند پس دولت ها ضرورتا سیاست هایی تدافعی اتخاذ نمی کنند. بلکه فراتر از آن شولر بر این باور است که دولت ها سرشت و سیاست هایی توسعه طلبانه دارند و به طور اساسی دو نوع دولت ناراضی و تجدید نظر طلب وجود دارد، تجدید نظر طلب با اهداف محدود و تجدید نظر طلب با اهداف نامحدود (سیمبر، بهرامی مقدم، ۱۳۹۳: ۲۳-۱۷). دولت های تجدید نظر طلب با اهداف محدود دولت هایی هستند که در صدد ارتقا وضعیت خود در درون نظم بین المللی هستند و دولت های تجدید نظر طلب با اهداف نامحدود دولت هایی هستند که در صدد دگرگونی هنجارهای نظم مستقر و سلطه جهانی و تفوق ایدئولوژیکی هستند. این متغیرهای سطح واحد عواملی از قبیل نظام سیاسی، تجارب تاریخی، میراث ها و ایدئولوژی های مشروعیت بخش، دیدگاه ها و ایده های عمیق دولت ها درباره سیاست خارجی و عوامل ژئوپلیتیکی است (Schweller, ۲۰۱۴: ۴).

گاهی دولت ها از پس ایدئولوژی های انقلابی و یا میراث های ضد استعماری، قواعد و هنجارهای نظم بین المللی را نامشروع درمی یابند. شولر بر این باور است که در میان فشارهای متعارض است که منافع و اهداف سیاست خارجی دولت ها شکل می گیرد و تغییر در این عوامل سبب تغییر در اهداف سیاست خارجی دولت ها می شود. نظریه موازنه منافع یک معنای دوگانه دارد یک معنای آن به سطح واحد مربوط است و معنای دیگر آن به سطح ساختار سیستم بین المللی پیوند می یابد. دولت ها تحت

تأثیر عوامل درونی و میزان قدرت نسبی شان در سیستم بین‌المللی رفتار می‌کنند. آن‌ها تحت تأثیر این عوامل رفتارهای متفاوتی دارند و دگرگونی در این عوامل بر راهبردهای کلان دولت‌ها تأثیر می‌گذارد. دولت‌هایی که نظم بین‌المللی را نامشروع تلقی می‌کنند به تغییر اساسی نظم گرایش دارند و استراتژی تجدید نظر طلبی با اهداف نامحدود را در پیش می‌گیرند. دگرگونی در متغیرهایی که سبب شده‌اند که نظم بین‌المللی برای یک دولت نامشروع تلقی شود، سبب تغییر استراتژی تجدید نظر طلبی با اهداف نامحدود به استراتژی تجدید نظر طلبی با اهداف محدود می‌شود. شولر بر این باور است که دولت‌های کوچکتر تحت تأثیر ارزش‌های درونی و دیگر عوامل سطح واحد ممکن است ولع بیشتری برای افزایش منافعشان داشته باشند (Schweller, 1999: 7-11).

دولت‌ها از میان فشارهای متعارض منافعشان را دنبال می‌کنند این فشارها می‌تواند فشارهای ناشی از پی‌گیری منافع متعارض دیگر دولت‌ها و یا فشارهای ناشی از محرک‌های مختلف داخلی باشد که آنها تحت تأثیر قرار می‌دهد و به رغم اختلافاتی که در اثر منافع متعارض سبب جدایی دولت‌ها می‌شود، هم‌زمان منافع مشترک آنها را به سوی همکاری سوق می‌دهد و در واقع دو یا چند دولت که در یک یا چند زمینه با هم دیگر همکاری می‌کنند ممکن است در یک یا چند زمینه دیگر اختلاف منافع مانع از همکاری آنها شود. اما بطور کلی دولت‌های تجدید نظر طلب با اهداف محدود زمینه‌های بیشتری برای همکاری با قدرت مسلط حافظ وضع موجود دارند تا دولت‌های تجدید نظر طلب با اهداف نامحدود.

به طور کلی نظریه موازنه منافع بر این است که دولت‌ها اساساً توسعه طلب هستند آنها هنگامی که در موضع ضعف قرار داشته باشند و دیگر متغیرهای داخلی نیز محرک‌هایی برای انقلابی‌گری نباشند، دولت‌ها در عرصه بین‌المللی محتاطانه‌تر رفتار می‌کنند اما افزایش قدرت آنها سبب می‌شود که از موضع نیرومندتری در عرصه بین‌المللی منافع ملی شان را بسط دهند. از این چشم‌انداز دولت‌ها مترصد فرصت برای افزایش بیشتر قدرت ملی هستند و بر این اساس فرصت‌های افزایش منافع شان را مغتنم شمرده و در موقعیت‌های مناسب راهبردهایی متناسب برای کسب منافع بیشتر در محیط بین‌المللی در پیش می‌گیرند، بر این اساس سیاست هند تحت تأثیر متغیرهای درونی و بین‌المللی از تجدید نظر طلبی با اهداف نامحدود به تجدید نظر طلبی با اهداف محدود دگرگون شده است و در متن این دگرگونی است که سیاست نگاه به غرب را مفصل بندی نموده است و ذیل آن بر عمل‌گرایی اقتصادی برای کسب منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی در روابط با کشورهای عضو

شورای همکاری خلیج فارس متمرکز شده است. در ادامه از این چشم انداز نظری به سیاست خارجی هند نسبت به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس می پردازیم.

۲. تحول سیاست خارجی هند

از بدو استقلال هند در ۱۹۴۷، تا پایان دهه ۱۹۸۰، بطور کلی سه عامل مهم گرایش‌هاست ضد استعماری رهبران انقلابی دهلی نو، بازیابی انسجام و یگانگی چین به مثابه قدرتمندترین دولت آسیایی و دوقطبی جنگ سرد تاثیراتی تعیین کننده بر سیاست خارجی هند در حوزه آسیای جنوب شرقی داشت. در درجه اول هدف از عدم تعهد حفظ استقلال و اجتناب از وابستگی هند به قدرت‌های بزرگ بود. هند پس از ۱۹۴۷ در پرتو این اصل، بر صیانت از آزادی عمل در سیاست خارجی و طرد هر نوعی از استعمار خارجی تاکید می‌کرد، در واقع میراث مبارزات ضد استعماری از طرفی هند را به دوری از پیوندهای تنگاتنگ امنیتی با قدرت‌های امپریالیستی سوق می‌داد و از طرفی نیز ساختار دو قطبی سیستم بین المللی بر آزادی عمل نسبی هند در سیاست خارجی می افزود (Tanham, ۱۹۹۲). ساختار دوقطبی سیستم، به عوامل سطح واحد هند که کلیدی‌ترین آنها میراث مبارزات جنبش ضد استعماری بود که در قالب اخلاق‌گرایی تجلی یافته بود مجال می‌داد که تأثیری چشمگیر بر سیاست خارجی کشور داشته باشد. از ورای این ارزش‌های ضد امپریالیستی و ضد استعماری، نظم موجود بین المللی برای هند نامشروع تلقی می‌شد و نهرو آشکارا قواعد سیاست قدرت و اتحادیه‌های مقابله جویانه در عرصه بین المللی را نامشروع می‌خواند و به انتقاد می‌گرفت (Nehru, ۱۹۶۱: ۶۲). عدم تعهد اصل اساسی بود که نهرو در سیاست خارجی مطرح کرد. نهرو نفودی کلیدی بر سیاست خارجی هند داشت و پس از درگذشت وی نیز، میراث سیاسی نهرو تا اوایل دهه ۱۹۹۰ نفوذی چشمگیر بر سیاست خارجی کشور داشت. بر این اساس ضدیت با استعمار، ضدیت با امپریالیسم و حمایت از جنبش‌های آزادی بخش در کشورهای جهان سوم بعنوان مولفه‌هایی از راهبرد عدم تعهد از بدو استقلال تا اوایل دهه ۱۹۹۰، تأثیری تعیین کننده بر سیاست خارجی هند داشت.

وی از همبستگی کشورهای جهان سوم و عدم تعهد آنها به ابرقدرت شرق و غرب حمایت می‌کرد، رویکرد هند بویژه نسبت به ایالات متحده با بدگمانی بیشتری همراه بود. در متن چنین رهیافتی سیاست هند نسبت به دولت‌های حوزه جنوبی خلیج فارس که به ایالات متحده پیوسته بودند، بر روابطی تنگاتنگ مبتنی نمی‌شد. در واقع نهرو که نفوذی کلیدی بر سیاست خارجی هند داشت، دیدگاه‌های متعارض با رویکرد پادشاهی‌های محافظه کار عربی خلیج فارس داشت که برای تأمین

منافع امنیتی و اقتصادیشان، پیوندهایی نیرومند با ایالات متحده برقرار کرده بودند. علاوه بر آن، از دهه ۱۹۵۰ که پاکستان به استقلال رسید، پادشاهی های محافظه کار عربی حوزه خلیج فارس به پشتیبانی از پاکستان غرب گرا در مواجهه با هند روی آوردند.

از طرفی تا اواخر دهه ۱۹۶۰، تجدید روابط چین و آمریکا در کنار فشارهای ناشی سیاست های مواجهه جویانه چین و پاکستان، هند را به ناگزیر به پیوندهایی نزدیکتر با شوروی سوق داد، نزدیکی بیشتر هند به شوروی و متحدینش در خاورمیانه بر افتراق بیشتر هند و پادشاهی های محافظه کار عربی حوزه خلیج فارس افزود. در واقع هند در دنیای عرب پیوندهایی نزدیک با رادیکالیسم عربی یعنی جمهوری های انقلابی مصر، سوریه و عراق برقرار کرده بود. این جمهوری های انقلابی، بر خلاف پادشاهی های محافظه کار خلیج فارس، روابط نزدیکتری با شوروی برقرار کرده بودند. به عبارتی در مقیاسی کلان، هند متأثر از میراث مبارزات ضد استعماری و دو قطبی عصر جنگ سرد، به مثابه دولتی با اهداف تجدید نظرطلبانه نامحدود نسبت به نظم بین المللی ظاهر شده بود و در همین راستا نیز با دولت هایی که اهداف تجدید نظرطلبانه نامحدودی نسبت به نظم بین المللی داشتند پیوندهایی نزدیکتر برقرار می نمود. در حالی که پادشاهی های عربی حوزه خلیج فارس به مثابه دولت هایی با اهداف تجدید نظرطلبانه نامحدود نسبت به نظم بین المللی، روابط قوی با ایالات متحده به مثابه ابرقدرت حافظ وضع موجود برقرار کرده بودند. بر این اساس هند و پادشاهی های عربی محافظه کار حوزه خلیج فارس بطور بنیادین نمی توانستند روابط قوی و پیوندهایی بسیار نیرومند با هم برقرار کنند اما از اوایل دهه ۱۹۹۰، افول اخلاق گرایی و رشد دیدگاه های ملی گرایی هندو، رئالیسم و لیبرالیسم در درون هند، تغییرساختاری سیستم بین المللی از دوقطبی به تک قطبی و رشد فزاینده توان اقتصادی نظامی چین سبب دگرگونی سیاست خارجی هند از جهان سوم گرایی به عمل-گرایی اقتصادی شد، به عبارتی هند از تجدید نظرطلبی با اهداف نامحدود نسبت به نظم بین المللی به تجدید نظرطلبی با اهداف محدود دگرگون شده، (رک. بهرامی مقدم، ۱۳۹۳، ۱۹۶-۱۶۱)، که متعاقب آن دهلی نو در ابتدا سیاست نگاه به شرق را به مثابه رهیافتی نو به جنوب شرقی آسیا مطرح کرد و در ادامه از سال ۲۰۰۵، سیاست نگاه به غرب را اعلان داشته است که ذیل آن سیاست های عمل گرایانه با هدف توسعه اقتصادی خود جایگزین سیاست های ایدئولوژیک گذشته در خاورمیانه و آفریقا کرده است (رک. سیمبر، بهرامی مقدم، زیبایی، ۱۳۹۴: ۶۷-۷۴)، و در چارچوب آن مناسبات هند با پادشاهی های عربی حوزه خلیج فارس نیز متحول شده است. پادشاهی های محافظه کار حوزه خلیج فارس، در سال ۱۹۸۱، شورای همکاری خلیج فارس را تاسیس کردند، این دولت ها شامل عربستان،

امارات، قطر، بحرین، کویت و عمان است که ماهیت نظام های سیاسی و اقتصادی، و زبان و فرهنگ متجانسی دارند. علاوه بر آن مجاورت جغرافیایی و رویارویی با چالش ژئوپولیتیکی ایران انقلابی، کلیدی ترین عوامل موثر در ائتلاف این دولت ها، در چارچوب شورای همکاری خلیج فارس است. این سازمان همکاری در زمینه های سیاسی، اقتصادی، امنیتی، علمی و تکنولوژیکی، را در بین اعضایش افزایش داده است. هم چنین اعضای این سازمان سیاست هایی برای ایجاد یک بازار آزاد مشترک، یک اتحادیه بازرگانی، یک نظام مالی و طرح هایی برای تاسیس یک بانک مرکزی مشترک و یک پول واحد در دستور کار دارند. این شورا به مثابه ائتلافی از پادشاهی های محافظه کار حوزه خلیج فارس در رویارویی با ایران پس از انقلاب اسلامی، شکل گرفت و اگرچه مواجهه با ایران هم چنان به مثابه برجسته ترین کارویژه این سازمان در سیاست های منطقه ای باقی مانده است، اما ظرفیت ها و قابلیت هایش در زمینه های مختلفی بسط یافته است.

۳. عوامل تاثیرگذار بر سیاست خارجی هند در حوزه جی سی سی

۳-۱. عامل انرژی

انرژی عاملی مهم در روابط هند و دولت های عضو شورای همکاری خلیج فارس است. در پی رفورم های اقتصادی از اوایل دهه ۱۹۹۰، اقتصاد هند بطور چشمگیری رشد یافته است و در طول بیش از دو دهه گذشته رشد نسبتا بالا و باثبات اقتصادی، رشد شرکت ها، افزایش جمعیت و روند نوسازی صنعتی، تقاضای هند را برای واردات نفت و گاز بطور فزاینده ای افزایش داده است. بطوریکه هند به مثابه اقتصادی نوظهور به یکی از تاثیرگذارترین مصرف کننده بر قیمت بازار بین المللی نفت تبدیل شده است. از آنجا که رشد اقتصادی همواره با رشد تقاضای انرژی همراه است، تقاضای نفت هند نیز با افزایش رشد اقتصادی، روندی فزاینده دارد. این دولت در ۱۹۹۰، که در حال از سرگیری رفورم های اقتصادی بود، روزانه یک میلیون و صد و شصت و هشت هزار بشکه نفت خام مصرف می کرد، این مقدار تا سال ۲۰۱۳ به سه میلیون و پانصد هزار بشکه در روز افزایش یافته است، هم چنین آمارها نشان می دهد که از ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ بطور متوسط تقاضای هند برای واردات انرژی، سالیانه با نرخ متوسط پانزده درصد رشد کرده است (Teja, ۲۰۱۵: ۸۹). هند به چهارمین مصرف کننده نفت خام و فرآورده های نفتی جهان پس از ایالات متحده آمریکا، چین و ژاپن تبدیل شده است، و انتظار می رود که در طول دهه های آینده تقاضای این دولت برای واردات انرژی بیش از این افزایش یابد. تقاضای نفت هند تا سال ۲۰۴۰ به بیش از دو برابر یعنی به ۸.۲ میلیون بشکه در روز خواهد رسید و براساس آمارها هم چنین پیش بینی می شود تا سال ۲۰۲۰ هند

در مصرف نفت از ژاپن پیشی بگیرد و پنج درصد از تقاضای نفت جهان را به خود اختصاص دهد. در این میان با توجه به ذخایر و صادرات عظیم نفت و گاز دولت های حوزه شورای همکاری خلیج فارس، این دولت ها بعلاوه ایران و عراق، به منبع اولیه تامین نفت و گاز وارداتی هند، تبدیل شده اند. به طوری که در سال ۲۰۱۳، هند ۸۲ میلیون تن نفت خام به ارزش ۶۲.۴۸ میلیارد دلار از حوزه شورای همکاری خلیج فارس وارد کرده است (Yibo, ۲۰۱۳).

در زمینه گاز نیز، درباره مصرف گاز طبیعی هند توضیح داد: مصرف این فراورده تا سال ۲۰۰۴ معادل تولید داخلی این کشور بود که پس از آن به دلیل افزایش مصرف داخلی، واردات ال ان جی از قطر آغاز شد و هند چهارمین واردکننده ال ان جی جهان در سال ۲۰۱۳ پس از ژاپن، کره جنوبی و چین بود که تقریباً شش درصد واردات جهانی ال ان جی را در اختیار داشت. مصرف گاز طبیعی هند طی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ با نرخ سالانه هشت درصد رشد کرده است، و واردات ال ان جی هند حدود ۳۰ درصد از تقاضای گاز این کشور را به خود اختصاص داده و انتظار می رود که در چند سال آینده سهم ال ان جی در تامین تقاضای گاز طبیعی این کشور افزایش یابد. در این زمینه کشورهای حوزه شورای همکاری خلیج فارس سهم چشمگیری از واردات گاز طبیعی هند را تامین می کنند، تا جایی که قطر بزرگترین تامین کننده گاز ال ان جی هند است، و هند در سال ۲۰۱۳، ۱۰.۴۵ تن مترمکعب گاز طبیعی از این حوزه وارد کرده است که ۱۰.۲۷ میلیون تن متر مکعب آن از قطر تامین شده است (Pradhan, ۲۰۱۴: ۸).

۲-۳. عوامل ژئوپولیتیکی

پیوندهای قوی بازرگانی و تجاری در بین هند و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به همکاری های استراتژیک در حوزه سیاسی و امنیتی منجر نشده است. در طول عصر جنگ سرد، هند از رهبران سوسیالیست و ملی گرای دنیای عرب حمایت می کرد و از طرفی نیز دولت های محافظه کار عربی حوزه خلیج فارس از پاکستان بر علیه هند پشتیبانی می کردند. در واقع پاکستان، متغیری تاثیر گذار بر روابط هند و پادشاهی های عربی حوزه خلیج فارس بوده است. در پیوند با پاکستان، چین نیز در پی بیش از سه دهه رشد شتابان اقتصادی به عاملی تاثیرگذار در روابط هند و این پادشاهی ها تبدیل شده است (Pant, ۲۰۱۴: ۱۵۸). چین و پاکستان هر دو چالش های عمیق ژئوپولیتیکی با هند دارند. هند در طول دو دهه گذشته سعی کرده است که از گسترش روابطش با دولت های عربی حوزه خلیج فارس بر حمایت های آنها از پاکستان تاثیر بگذارد، از طرفی چین در طول بیش از سه دهه گذشته، در زمینه واردات انرژی، سرمایه گذاری و بازارها، در حوزه عربی خلیج

فارس نفوذ قابل ملاحظه و فزاینده ای کسب کرده است که در رقابت با آن، هند انگیزه های ژئوپولیتیکی بیشتری برای گسترش نفوذ در حوزه خلیج فارس یافته است. از طرفی هند پیوندهای نزدیکی با ایران و اسرائیل نیز برقرار کرده است، بطوریکه اسرائیل به یکی از مهمترین منابع تامین سلاح های پیچیده نظامی برای هند تبدیل شده است و دهلی نو نشانه هایی از تمایل نخست وزیری هند، نارندرا مودی برای سفر رسمی به اسرائیل بروز داده است. از سویی همچنان که چین بیش از ۵۰ میلیارد دلار در راههای ارتباطی پاکستان برای دسترسی آسانتر به بندر گوادر در مجاورت دریای عمان سرمایه گذاری کرده است، هند نیز از طریق بندر چابهار و شبکه راه های زمینی ایران و افغانستان در جستجوی تسهیل دسترسی به آسیای میانه در رقابت با چین و پاکستان است (Teja, ۲۰۱۵: ۹۱). فراتر از آن نیز هند به همراه ایران، روسیه و شماری از دولت های آسیای میانه و قفقاز در صدد تحقق بخشیدن به ابتکار کریدور شمال جنوب هستند که از بندر جواهر لعل نهرو و از طریق ایران به حوزه دریای خزر و سپس اروپا امتداد می یابد. این کریدور دسترسی هند به بازارهای روسیه و اروپای شرقی را به حدود ۱۴ روز کاهش خواهد داد، این در حالی است که دسترسی بنادر هند به روسیه و اروپا از طریق مسیر کانال سوئز بیش از چهار هفته به طول می انجامد. بر این اساس رقابت با چین و پاکستان در طول بیش از دو دهه گذشته، نقش قابل ملاحظه ای در گسترش مناسبات هند و دولت های حوزه شورای همکاری خلیج فارس ایفا کرده است. از طرفی هند ناگزیر شده است که حساسیت های این پادشاهی ها را نسبت به روابطش با اسرائیل و ایران مورد ملاحظه قرار دهد (Xian, ۲۰۱۳: ۱۲).

در طول سال های اخیر، متاثر از افزایش نفوذ منطقه ای ایران و نیز حل و فصل نسبی مناقشه هسته ای این دولت با ایالات متحده، پادشاهی های محافظه کار حوزه خلیج فارس با اتخاذ سیاست هایی عمل گرایانه تر نسبت به اسرائیل، حساسیت هایشان را نسبت به رشد قابلیت های ایران افزایش داده اند. بنابراین هند به مثابه شریکی برای شورای همکاری خلیج فارس به ناگزیر مناسبات اعراب و اسرائیل و پادشاهی های عربی خلیج فارس و ایران را در محاسبات منطقه ای خود لحاظ کرده است. در واقع این دولت ها و در راس آن عربستان و امارات، هنگامی که تحریم های نفتی با محوریت آمریکا علیه ایران شدت یافت، سعی نمودند با جایگزین نمودن نفت ایران، اعمال این تحریم ها را تسهیل نمایند و چنین جایگزین هایی نقش قابل ملاحظه ای در همکاری نسبی هند با ایالات متحده علیه ایران ایفا کرد.

۳-۳. عوامل سرمایه گذاری و بازرگانی

از آغاز دهه ۱۹۹۰، جذب سرمایه گذاری های خارجی یکی از اهداف سیاست خارجی هند بوده است و در این راستا هند در جستجوی جذب سرمایه گذاری های پادشاهی های و شیخ نشین های ثروتمند حوزه خلیج فارس برآمده است. در نتیجه هند توانسته است به مقصدی جدید برای سرمایه گذاری های خارجی این دولت ها تبدیل گردد.

به طوری که در فاصله آوریل ۲۰۰۰ الی ژوئای ۲۰۱۳، عربستان سعودی با حدود ۴۸ میلیون دلار سرمایه گذاری مستقیم به چهل و هفتمین سرمایه گذار خارجی در هند تبدیل شده است. هم چنین سرمایه گذاری های امارات متحده عربی، قطر و کویت در هند رو به افزایش گذاشته است، رشد اقتصادی هند و دگرگونی سیاست خارجی اش، رغبت عربستان سعودی و شیخ نشین های ثروتمند خلیج فارس را برای سرمایه گذاری های مستقیم در هند افزایش داده است (Sasikumar and Timothy, ۲۰۱۵: ۲۳). این دولت ها هم چنین در همچشمی استراتژیک با ایران، انگیزه های امنیتی بیشتری برای گسترش همکاری های اقتصادی و بازرگانی با هند یافته اند. از طرفی نیز سرمایه گذاری های هند بویژه در بخش های انرژی در این کشورها متأثر از تقاضای فزاینده و نیز رقابت با چین رشدی فزاینده به خود گرفته است. در میان شش دولت شورای همکاری خلیج فارس، امارات متحده عربی ۸۰ درصد از مجموع سرمایه گذاری های مستقیم در هند را به خود تخصیص داده است. هم چنین هند تا سال ۲۰۱۳ به سومین سرمایه گذار بزرگ خارجی در امارات تبدیل شده است (Roy, ۲۰۱۴: ۲۳۸). در زمینه تجارت و بازرگانی حوزه شورای همکاری خلیج فارس به یکی از مقصدهای صادرات هند تبدیل شده است. واردات هند نیز از این حوزه افزایش یافته است، در سال ۲۰۰۵، دو درصد از مجموع صادرات این شش دولت به هند بود که تا سال ۲۰۱۴ به یازده درصد رسیده است. واردات این دولت ها از هند نیز روندی فزاینده دارد به طوری که تا سال ۲۰۱۳، صادرات هند به دولت های شورای همکاری خلیج فارس به ۵۱ میلیارد دلار رسیده است این رقم در اوایل دهه ۱۹۹۰، رقمی ناچیز بوده است. تا سال ۲۰۱۵، در ادامه روند افزایش بهره وری هند از بازارهای شش دولت عضو شورای همکاری خلیج فارس، امارات پس از ایالات متحده به دومین مقصد صادرات هند تبدیل شده است و پس از آن نیز عربستان بعد از هنگ کنگ و چین به پنجمین مقصد بزرگ صادرات هند مبدل شده است. هند هم چنین از سال ۲۰۰۴، مذاکرات بر سر توافق تجارت آزاد را با شورای همکاری خلیج فارس آغاز کرده است، و سعی دارد با این دولت ها در زمینه کاهش تعرفه های گمرکی به توافق برسد، چنین توافقی می تواند تجارت و بازرگانی دو طرف را تسهیل کند، دهلی

نو متاثر از ضرورت های توسعه اقتصادی داخلی و رقابت های ژئوپولیتیکی با چین و پاکستان از دوره نخست وزیری نارندرا مودی با جدیت بیشتری مذاکرات برای توافق تجارت آزاد را با شورای همکاری خلیج فارس پی گیری کرده است (Kumaraswamy, ۲۰۱۴: ۲۶). این حوزه هم چنین بازاری گسترده برای نیروی کار هند محسوب می شود، و هندی تبارها بزرگترین نیروی کار خارجی را در این منطقه تشکیل می دهند. در سال ۱۹۷۵، جمعیت هندی تبارهایی که در پادشاهی سعودی و شیخ نشین های خلیج فارس اشتغال داشتند حدود ۲۵۷ هزار نفر بود که تا سال ۲۰۱۵، به بیش از شش و نیم میلیون نفر رسیده است. در واقع چالش اشتغال شش و نیم میلیون نفر از نیروی کار هند این گونه رفع شده است، علاوه بر آن چنین جمعیت عظیمی از نیروی کار سالیانه سرمایه قابل توجهی را به هند انتقال می دهند، بر طبق آمار بانک مرکزی هند، در سال ۲۰۱۲، بیست و نه میلیارد و شصت و نه میلیون دلار از این طریق از حوزه شورای همکاری خلیج فارس به هند انتقال داده شده است. که معادل ۴۳ درصد از مجموع ۶۳ میلیارد دلاری است که در سال ۲۰۱۲، نیروی کار هند از اقصی نقاط جهان به داخل کشور انتقال داده اند (Agarwal, ۲۰۱۴: ۷۲).

۴. روابط هند و دولت های شورای همکاری خلیج فارس

۴-۱. عربستان سعودی

هند و عربستان تا اوایل دهه ۱۹۹۰، جهت گیری های متعارضی داشتند، در حالیکه عربستان به مثابه پادشاهی محافظه کار به ایالات متحده پیوسته بود، هند به عنوان دولتی انقلابی با اهداف تجدید نظر طلبانه نامحدود پیوندهای نزدیکی با شوروی و جمهوری های انقلابی دنیای عرب برقرار کرده بود، عربستان هم چنین از بدو استقلال پاکستان از این دولت در مواجهه با هند حمایت می کرد. در پی فروپاشی شوروی و تحول سیاست خارجی هند و نزدیکی این دولت به ایالات متحده، موانع سیاسی و امنیتی گذشته در روابط هند و عربستان کاهش یافته و الزامات توسعه اقتصادی هند را به گسترش همکاری های اقتصادی با عربستان سوق داده است (Agha, ۲۰۰۸: ۱۲).

در روند گسترش این همکاری ها، حادثه یازده سپتامبر و انتقادهای غرب از عربستان سعودی در خصوص نقشی که در ترویج وهابی گری و افراط گرایی اسلامی بویژه در آسیای جنوبی دارد، بر پشتیبانی های عربستان از اسلام گرایان مرتبط به پاکستان تاثیر گذاشت، و عربستان دریافت که می تواند فراتر از متحدین سنتی خود در آسیای جنوبی روابطش را با هند گسترش دهد، متعاقب آن در ۲۰۰۶، ملک عبدالله پادشاهی سعودی از دهلی نو بازدید رسمی کرد و در طول آن دیدار دو طرف بیانیه دهلی را صادر کردند که پایه ای برای روابطی نیرومند در بین دو دولت بود، بر طبق بیانیه دهلی،

دو طرف توافق کردند که در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی و امنیتی همکاری هایشان را گسترش دهند. در ادامه این روند در سال ۲۰۱۰، منموهان سینگ نخست وزیر هند به بازدید رسمی از عربستان پرداخت و توافق های جدیدی در خصوص گسترش بیشتر همکاری های سیاسی، اقتصادی و امنیتی به عمل آوردند که در چارچوب بیانیه ریاض اصول مورد توافق را اعلان کردند. این توافقات سیاسی به گسترش همکاری های اقتصادی هند و عربستان کمک کرده است، و عربستان تا سال ۲۰۱۳، به چهارمین شریک بزرگ تجاری هند تبدیل شده است. دو دولت هم چنین در زمینه امنیتی نیز با یکدیگر همکاری دارند؛ بیانیه دهلی علاوه بر زمینه های اقتصادی و سیاسی به همکاری های امنیتی دو دولت نیز پرداخته است (Alam and Ahmed, ۲۰۱۵: ۲۴۱). از جمله نیروی دریایی هند در مارس ۲۰۱۱ از بندر جبیل عربستان دیدن کرده و دو طرف برنامه هایی برای رزمایش های مشترک دریایی در دستور کار دارند. هم چنین هند در زمینه آموزش های نظامیان سعودی با ریاض همکاری نموده است. ملاقات های شاهزاده بندر رییس شورای عالی امنیت ملی عربستان و نخست وزیر هند منموهان سینگ در دهلی نو در مارس ۲۰۱۱، بازدید وزیر دفاع هند در فوریه ۲۰۱۲ از ریاض، در راستای تقویت همکاری های امنیتی دو دولت انجام شده است.

در آوریل ۲۰۱۶، نارندرا مودی نخست وزیر هند، در ریاض با ملک سلمان پادشاه عربستان ملاقات کرد و دو طرف توافق کردند که در زمینه انرژی، سرمایه گذاری، مبارزه با تروریسم بر دامنه و عمق همکاری های گذشته اشان بیفزایند، وزیر امور خارجه عربستان، عادل الجبیر پیش از ورود مودی به ریاض این گونه موضع گیری کرده بود که ریاض به جستجوی راه هایی برای حل و فصل منازعات هند و پاکستان به شیوه صلح آمیز معتقد است (Bishara, Ahmad, and Rizzo, ۲۰۱۶). این موضع گیری در واقع پاسخی به نگرانی های پاکستان از گسترش بیشتر روابط هند و عربستان است که سپس در اظهارات نواز شریف انعکاس یافت. در واقع پاکستان متغیری کلیدی در پیوندهای منطقه ای هند و از طرفی عربستان محسوب می شود، از سویی عربستان در رقابت با ایران به گسترش همکاری هایش با هند گرایش دارد و از سویی دیگر گسترش همکاری های هند و عربستان، هم سبب نگرانی پاکستان از ریاض می شود و هم حساسیت ایران را تحریک می کند، با این وجود دهلی نو متأثر از ضرورت های توسعه اقتصادی و نیز ژئوپولیتیکی پیوندهایش را با عربستان از میان فشارهای متعارض بسط داده و پی گیری کرده است.

۲-۴. عمان

روابط هند و عمان به عنوان دو دولت مجاور، تاریخی طولانی دارد، عمان یکی از معدود دولت

های مسلمان است که در خصوص مساله کشمیر و منازعات هند و پاکستان که همواره بر روابط دهلی نو و دولت های مسلمان تاثیر گذار بوده است، سیاست هایی در پشتیبانی از پاکستان بر عليه هند اتخاذ نکرده است (Agha, ۲۰۰۸: ۱۳).

مناسبات تاریخی دو طرف در زمینه های اجتماعی نیز قابل ملاحظه است. سلطان تیمور پدر سلطان کنونی عمان به مدت ۳۰ سال در بمبئی هند زندگی کرده و پس از مرگ در همانجا به خاک سپرده شد و بین برخی از قبایل عمان و قبایل هند پیوندهای خویشاوندی وجود دارد. در ابتدا اغلب بازرگانان هندی که در عمان مشغول فعالیت بودند، بازرگانانی از گجرات و دره سند بودند. در عمان بیش از نیم میلیون هندی تبار زندگی می کنند که بسیاری از آنها تابعیت عمان را کسب کرده و در بروکراسی دولتی این کشور به مناصب و مسئولیت هایی قابل ملاحظه دست یافته اند. در سال ۲۰۰۸، منموهان سینگ نخست وزیر هند از مسقط بازدید کرد و در طول ملاقاتش با پادشاه عمان، دو طرف یک یادداشت تفاهم امضا کردند که بر اساس آن هند و عمان سرمایه گذاری های مشترکشان را در قالب صندوق سرمایه گذاری مشترک برای نیل به منافع اقتصادی دوجانبه پی گیری می کردند، بر این اساس این سرمایه گذاری های مشترک از ۱۰۰ میلیون دلار آغاز شده و می توانست تا سقف یک میلیارد دلار افزایش یابد. در طول این دیدار دو طرف توافق کردند که روابطشان به سطح یک مشارکت استراتژیک ارتقا داده شود. هم چنین هر دو کشور توافق کردند که همکاری هایشان را در زمینه های امنیتی مرتبط به جرایم سازمان یافته فراملی و تروریسم تعمیق کنند. در زمینه تجارت و بازرگانی نیز روابط دو دولت رشد چشمگیری یافته است بطوریکه حجم تجارت دو طرف از ۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ به ۴.۵۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ رسیده است (Pradhan, ۲۰۱۳: ۱۱۹). در سال ۲۰۱۲، نیز برای بسط همکاری های اقتصادی، دو دولت گروه مشورت استراتژیک را در مسقط تاسیس کردند، که نهادی برای پی گیری پیش برد منافع مشترک اقتصادی هند و عمان محسوب می شود. در زمینه های امنیتی و دفاعی، عمان یکی از اولین دولت های حوزه خلیج فارس است که هند روابط امنیتی با آن برقرار کرده است.

در سال ۱۹۷۲، هند و عمان یک پروتکل نظامی مورد توافق قرار دادند که بر طبق آن پرسنل نیروی دریایی هند می توانست از برخی تسهیلات نیروی دریایی عمان استفاده کند. در ادامه آن در ۱۹۸۹، نیروی دریایی هند یک دفتر مشورتی دفاعی در مسقط دایر کرد و عمان نیز متقابلاً در سال ۲۰۰۲ دفتر مشابیه در دهلی نو باز گشود. این همکاری ها به یادداشت تفاهم هند و عمان در زمینه دفاعی در سال ۲۰۰۵ منجر شد. دامنه این همکاری ها هم اکنون به تهیه تجهیزات و سلاح های نظامی از

طرف هند برای عمان و رزمایش ها و آموزش های مشترک نظامی گسترش یافته است. نیروی هوایی عمان و هند نیز از ۲۰۰۶، کمیته های همکاری مشترک تدارک دیده و همکاری هایشان را آغاز کرده اند، بدین ترتیب عمان تنها کشور عربی خلیج فارس است که در بخش نیروی هوایی با هند همکاری مشترک دارد (Alam and Ahmed, ۲۰۱۵:۲۴۲).

۳-۴. کویت

هند یکی از اولین دولت هایی بود که استقلال کویت را به رسمیت شناخت. روابط بازرگانی هند و کویت دارای یک سابقه تاریخی است. مجاورت ژئوپولتیکی، پیوندهای اقتصادی و فرهنگی و حضور متخصصان هندی در کویت، به تداوم روابط گذشته در وضعیت جدید انجامیده است. هند یک شریک تجاری برای کویت محسوب می شود، در همین راستا کشف ذخایر عظیم نفت در ۱۹۶۱ و در کویت روابط خارجی این دولت را متحول کرد.

هند و کویت در حوزه بازرگانی و اقتصادی دارای روابطی دیرینه هستند. در ۱۹۸۱ ایندیرا گاندی نخست وزیری هند از کویت دیدن کرد و در مقابل در سال های ۱۹۶۴ و ۱۹۸۰ و ۱۹۸۳ (۲۰۰۳, Al-Sabah)، و ۲۰۰۶ امیر کویت از دهلی نو بازدیدهای رسمی سیاسی انجام داده است. در ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ وزیر امور خارجه هند وارد کویت شد، این ملاقات ها به منظور گسترش همکاری های بازرگانی و اقتصادی دو دولت انجام گرفته است.

در مارس ۲۰۱۳ وزیر امور خارجه کویت وارد دهلی نو شد و با وزیر بازرگانی و وزیر صنعت و وزیر انرژی هند ملاقات و گفتگو کرد که در این ملاقات زمینه های گسترش همکاری های اقتصادی و صنعتی مشترک را مورد بررسی قرار دادند. تا پیش از دهه اخیر در دهه ۱۹۹۰، در پی تهاجم عراق به کویت روابط دوجانبه دو دولت تحت الشعاع جنگ قرار گرفته بود. در طول حمله عراق به کویت، دهلی نو بر اساس میراث روابط گذشته با جمهوری های رادیکال دنیای عربی به نفع عراق موضع گیری کرد. در نتیجه روبه سیاسی دو طرف رو به سردی گذاشت، پس از آن نیز مساله حمله هندوها به مسجد بامبری هند موجب تنش سیاسی در روابط دو دولت شد (Brewster, ۲۰۱۶: ۵۹). از اواخر دهه ۱۹۹۰، روابط دوجانبه دو دولت رو به بهبود بوده است و کویت به دومین کشور تامین کننده نفت وارداتی هند تبدیل شده است. کویت یک صندوق مالی برای توسعه اقتصادی عربی تاسیس کرده است که سرمایه گذاری های این صندوق در هند رو به افزایش بوده است. به طور تاریخی روابط هند و کویت یک بعد قوی بازرگانی داشته است (Al Razni, ۲۰۰۶: ۱۴).

هند در دهه گذشته در میان ده شریک برتر تجاری کویت جای داشته است. کویت یک بازار باز و رقابتی برای سرمایه ها و کالاهای هند است و بر اساس آمارهای سال ۲۰۱۳، پس از عربستان سعودی دومین تامین کننده بزرگ نفت وارداتی هند در میان دولت های عضو شورای همکاری خلیج فارس است و حدود ۱۳ درصد از واردات نفت هند را تامین می نماید. در زمینه تجارت و بازرگانی حجم مبادلات دو طرف از ۱۰.۳۹ میلیارد دلار در ۲۰۰۹ به ۱۷.۶۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ افزایش یافته است. کویت هم چنین سیزدهمین شریک تجاری هند محسوب می شود (Agarwal, ۲۰۱۴).

۴-۴. امارات متحده عربی

همکاری های هند و امارات در زمینه های اقتصادی، سیاسی و امنیتی رشد یافته است. بازدیدهای مکرر رسمی مقامات بلندمرتبه دو دولت، متأثر از ضرورت هایی است که منافع گسترش یافته اقتصادی دو طرف ایجاد می کند. امارات متحده عربی به بزرگترین شریک تجاری هند در حوزه خلیج فارس تبدیل شده است. در سال ۲۰۰۴، هند و امارات بر سر چارچوبی برای همکاری های مشترک به توافق رسیدند از آن هنگام به طور فزاینده ای همکاری های دو دولت در زمینه های مختلف اقتصادی و بازرگانی رشد کرده است (Ahmed, ۲۰۱۱: ۵). به گونه ای که تا سال ۲۰۱۳، مجموع سرمایه گذاری های امارات در هند به ۸ میلیارد دلار رسیده است و امارات هشتاد درصد از سرمایه گذاری شورای همکاری خلیج فارس در هند را به خود تخصیص داده است و به طور کلی امارات در سال ۲۰۱۳، با ۱۸۰ میلیون دلار سرمایه گذاری، دهمین سرمایه گذار بزرگ در هند بوده است. در سال ۲۰۱۳، امارات متحده عربی بزرگترین شریک تجاری هند بوده است، در این سال حجم تجارت دو دولت تقریباً معادل ۷۵ میلیارد دلار بوده است. این روابط به طور چشمگیری در حال گسترش است (Joshi, ۲۰۱۵: ۲۵۳). در اگوست ۲۰۱۵، نارندرا مودی نخست وزیری هند به امارات متحده عربی سفر کرد، مودی اولین نخست وزیر هند محسوب می شود که در ۳۴ سال اخیر به امارات سفر کرده است. نخست وزیر هند در جمع شهروندان این کشور در «امارات متحده عربی» گفت که تروریست خوب و بد معنایی ندارد و زمان یک نبرد سرنوشت ساز با حامیان و مخالفان تروریسم در منطقه فرا رسیده است که انتقادی تلویحی از سیاست های پاکستان در حمایت از افراط گرایان اسلامی است. مودی هم چنین از گسترش همکاری های اقتصادی دو و چند جانبه با دولت های عضو شورای همکاری خلیج فارس حمایت کرد و اعلان داشت که دهلی نو طرح هایی برای جذب سرمایه گذاری های بیشتر امارات متحده عربی و دیگر دولت های عضو شورای همکاری خلیج فارس دارد. وی هم چنین از گسترش تجارت و بازرگانی دو طرف و مذاکرات بر سر توافق تجارت

آزاد هند و شورای همکاری خلیج فارس حمایت کرد. نارندرا مودی هم چنین از تحول سیاست های هند بر پایه ضرورت های توسعه اقتصادی در حوزه خلیج فارس گفت. متعاقب بازدید رسمی نارندرا مودی از امارات در نوامبر ۲۰۱۶، ولیعهد امارات به دهلی نو سفر کرد. هند و امارات در سفر سه روزه «محمد بن زاید آل نهیان» ولیعهد امارات متحده عربی ۷ توافقنامه در زمینه امنیت سایبری، سرمایه گذاری در زیرساخت ها، انرژی تجدید پذیر، بیمه، همکاری های اقتصادی، توسعه و فن آوری و فرهنگ امضا کردند. بطور کلی روابط هند و امارات متحده عربی در طول بیش از دو دهه گذشته در پی تحول سیاست خارجی هند از جهان سوم گرایی به تمرکز بر توسعه داخلی بر پایه عمل گرایی اقتصادی متحول شده است (Khan, ۲۰۱۶: ۳).

۴-۵. بحرین

در ۱۹۷۱ بحرین بطور رسمی از خاک ایران جدا شده و به استقلال رسید. پس از ۱۹۷۱ شاهد رشد روابط تجاری و بازرگانی هند و بحرین بوده ایم. در آوریل ۱۹۸۱ حکومت هند و بحرین اولین توافق همکاری های اقتصادی و فنی را امضاء کردند. در می ۲۰۰۱، شورای ترویج صادرات نرم افزارهای رایانه ای و الکترونیکی هند و شورای خارجی توسعه اقتصادی بحرین برای توسعه زیر ساخت های خدمات آی تی بحرین به توافق رسیدند (Paradah, ۲۰۱۰).

در نوامبر ۲۰۰۷ بحرین و هند یک تربیون همکاری مشترک فنی و اقتصادی ایجاد کردند که کمیته ای برای ملاقات و مذاکرات دو جانبه مقامات وزارت خانه های دو دولت ایجاد کرده است. مهمترین کالاهایی که از هند به بحرین صادر می کند شامل قطعات صنعتی، خدمات رایانه ای، مواد پلاستیکی، مواد پتروشیمی، سیمان، تجهیزات الکترونیکی، مواد غذایی و محصولات کشاورزی است. در مارس ۲۰۰۷، شاهزاده شیخ سلمان بن حامد آل خلیفه از دهلی نو بازدید کرد و مقامات عالی رتبه هند و امارات طی این ملاقات در زمینه مبارزه با تروریسم نسبت به همکاری با یکدیگر متعهد شدند. در زمینه همکاری های دو کشور در حوزه خدمات رادیویی و تلوزیونی نیز دو دولت با یکدیگر توافق نمودند.

در زمینه تسهیل بازرگانی دو جانبه سفارت بحرین اعلام کرده است که به بازرگانان هندی در مرحله اول برای مدت ۱۴ روز روادید ورود می دهد. با این همه حجم همکاری های دو جانبه بازرگانی هند و بحرین نسبت به حجم همکاری های بازرگانی هند و دیگر دولت های حوزه خلیج فارس کمتر است. در حوزه انرژی در میان دیگر کشورهای خلیج فارس، بحرین جزو کشورهای است که ذخایر نفت و گاز زیادی ندارد و به نسبت همکاری های متقابل هند و دیگر کشورهای

حوزه خلیج فارس، این دو کشور در بخش انرژی با یکدیگر همکاری های کمتری دارند. با این وجود، نسبت قابل توجهی از کارگران هندی در بحرین زندگی می کنند و حکومت آل خلیفه برای ایجاد توازن جمعیتی فرقه ای سنی ها در برابر شیعیان نسبت به اعطای شهروندی به کارگران غیر شیعه هندی با تساهل بیشتری می نگرند. این تساهل هم چنین شامل کارگران غیرمسلمان هندی تبار در بحرین نیز می شود. در واقع انگیزه های سیاسی حکومت آل خلیفه در پوشش تمایزات فرقه ای سبب شده است که بحرین برای جذب کارگران هندی تلاش های بیشتری در دستور کار قرار دهد. به عبارتی ترس امنیتی از شورش های شیعیان که بحرین آن را در پیوند با ایران ارزیابی می کند، سبب شده است که حکومت آل خلیفه با تساهل بیشتر تسهیلات نسبی بیشتری برای کارگران هندی در نظر گیرد. دو دولت هند و بحرین همکاری هایشان را در مبارزه با تروریسم تقویت کرده اند که البته برای حکومت آل خلیفه مبارزه با تروریسم در درجه اول به معنای تقویت موضع خود در سرکوب مخالفان درونی حکومت است. بحرین در طول بی ثباتی های درونی متأثر از انقلاب های دنیای عرب امیدوار بود که در صورت ضرورت از اسلام گرایان سنی در پاکستان برای سرکوب شهروندان استفاده نماید. علاوه بر این جوامع شیعی هند از حکومت آل خلیفه به خاطر سرکوب شهروندان شیعی انتقاد کرده اند. به طور کلی در حالیکه رویکرد شیخ نشین بحرین نسبت به هند رویکردی سیاسی امنیتی برای افزایش ثبات سیاسی و تقویت منطقه ای خود در برابر شورش های محتمل داخلی و حمایت های احتمالی ایران از آن می باشد. رویکرد هند به بحرین رویکردی تجاری و بازرگانی است. گرچه بحرین در این زمینه طرفیت های محدودتری دارد اما در پیوند با دیگر دولت های شورای همکاری خلیج فارس بحرین جایگاه قابل ملاحظه ای در رهیافت هند نسبت به حوزه خلیج فارس دارد. بر همین اساس در طول بیش از یک دهه گذشته توافق های متعددی در زمینه های مختلف اقتصادی در بین دو کشور انجام شده است و حجم تجارت دو دولت تا سال ۲۰۱۳ به بیش از یک میلیارد و دویست میلیون دلار افزایش یافته است. جامعه کارگران هندی نیز ۳۵۰ هزار نفر از جمعیت یک میلیون دویست هزار نفری بحرین را تشکیل می دهند که اهمیت مناسبات هند و بحرین را بویژه با توجه به ناآرامی های سیاسی و امنیتی داخلی ناشی از جنبش وسیع انقلابی بحرین برجسته تر می نماید (Joshi, ۲۰۱۵: ۱۸).

۶-۴. قطر

روابط هند و قطر چندبعدی و گسترش یافته است. رشد روابط بازرگانی دوکشور با رشد اقتصادی شان تقویت شده است. در سال ۲۰۱۰ هند سومین صادرکننده بزرگ به قطر بوده است؛ در این سال

هند ۷ میلیارد دلار کالا به قطر صادر کرده است. در سال ۲۰۱۱ صادرات هند به قطر حدود ۸ درصد از صادرات جهانی هند را تشکیل داده است. قطر بطور کلی از هند محصولات کشاورزی و صنعتی از جمله برنج، پنبه، چایی و قطعات صنعتی و تجهیزات خدمات کامپیوتری وارد می کند و در مقابل به هند نفت و گاز صادر می کند. قطر یکی از بزرگترین دارندگان ذخایر گازی در جهان است که با توجه به رشد فزاینده مصرف انرژی های فسیلی در هند، دهلی نو امیدوار است که در آینده واردات نفت و گاز را از قطر افزایش دهد. در سال ۲۰۰۴ قطر و هند یک توافق دوجانبه امضاء کرده اند که بر اساس آن به مدت ۲۵ سال قطر بخشی از واردات گاز طبیعی هند را تامین خواهد کرد. در سال های ۲۰۰۷، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ نیز دو دولت در زمینه صادرات انرژی از قطر به هند توافقاتی را به انجام رسانیده اند (Rao, 2012).

شرکت پترونال ان جی به دنبال واردات دو تا سه میلیون تن ال ان جی اضافی از قطر، بزرگ ترین صادر کننده ال ان جی، جهان است. هند هم اکنون هشتمین وارد کننده بزرگ ال ان جی در جهان به شمار می آید و با توجه به کاهش تولید گاز در داخل و رشد روز افزون تقاضا، واردات این کشور می تواند ظرف یک دهه آینده پنج برابر شود. در واقع سفارت هند در قطر به یک بنگاه بزرگ کارشناسی معاملات بازرگانی تبدیل شده است و بر اساس هدف توسعه اقتصادی هند، دهلی نو سرگرم افزایش فرصت های بهره وری اقتصادی از بازارهای تولید و مصرف قطر است. بیست شرکت بزرگ مالی و تجاری هند و شرکت های حمل و نقل دریایی و هوایی بعلاوه دیگر شرکت ها در قطر مشغول فعالیت هستند. همچنین ۵۰۰ هزار نیروی کار متخصص و کارگر ساده هندی در قطر مشغول فعالیت می باشند (Paradhan, 2010).

در زمینه سرمایه گذاری، در اگوست ۲۰۱۳ علاوه بر سرمایه گذاری های عظیم گذشته یک شرکت قطری به نام حصاد فودز " که بازوی سرمایه گذاری کشاورزی صندوق ذخیره ارزی قطر است، اعلام کرد که قصد دارد پس از خرید "بوش فودز اورسیز" ۵۰۰ میلیون دلار در هند سرمایه گذاری کند (دنیای اقتصاد، ۸ خرداد ۹۲). در زمینه های سیاسی نیز در سال های اخیر دوحه نقش قابل ملاحظه ای در دیپلماسی منطقه ای ایفاء نموده است، از جمله دوحه به مرکزی برای چانه زنی های پیدا و پنهان ایالات متحده و دولت افغانستان با طالبان تبدیل شده است. در تابستان ۲۰۱۳ در دوحه قطر، طالبان و نمایندگان از افغانستان وارد مذاکرات و گفتگوهای صلح شدند. هند برای حفظ منافع خود در افغانستان خواهان شرکت در مذاکرات قطر بود و بعد از سفر مقامات آمریکایی به هند، این کشور از آمریکا خواست مقدمات شرکت نمایندگان هند در مذاکرات قطر را فراهم کند.

وزارت امور خارجه هند و سازمان اطلاعات این کشور خواهان اعزام نماینده به دوحه بودند. هند سعی کرد مقامات آمریکایی را قانع کند که این کشور نقش زیادی در پیشرفت اقتصادی افغانستان دارد بنابراین باید یکی از طرف‌های مذاکره باشد و با طالبان به توافق برسد. آمریکا ابتدا سعی کرد نمایندگان هند را در قطر بپذیرد اما اعتراض شدید پاکستان و تهدید برای توقف کامل مذاکرات سبب شد واشنگتن مانع از حضور هند در این مذاکرات شود. پاکستان در اعتراض خود اعلام کرده بود که هند جزو کشورهای همسایه افغانستان نیست و اگر قرار باشد کشور دیگری در این مذاکره شرکت کند ایران به هند اولویت دارد.

به‌دنبال بازگشایی دفتر سیاسی طالبان در قطر، وزارت خارجه پاکستان در بیانیه‌ای از این اقدام استقبال کرد. در همان حال، رسانه‌های هند اعلام کردند این کشور کاملاً از رئیس‌جمهوری افغانستان در مناقشه‌اش با آمریکا در مورد افتتاح دفتر طالبان افغان در دوحه حمایت می‌کند. وزیر خارجه هند هم در واکنش به گشایش دفتر طالبان در قطر ابراز نگرانی کرد و گفت که تلاش برخی از کشورها برای امتیاز دهی به طالبان می‌تواند ثبات نسبی افغانستان را تهدید کند (Ahmed, ۲۰۱۱). هند درصدد انعقاد موافقت‌نامه تجارت آزاد با شورای همکاری خلیج فارس است. در ۲۰۰۹ میلادی هند امیدوار بود که تجارت هند با اعضای شورای همکاری خلیج فارس (عربستان سعودی، بحرین، عمان، قطر، کویت و امارات متحده) تا سال ۲۰۱۰ به ۱۵۰ میلیارد دلار برسد. دهلی نو اذعان نموده است که در چنین شرایطی و با نظر گرفتن امکانات بالقوه دو طرف برای گسترش تجارت فیما بین، امضای موافقت‌نامه تجارت آزاد ضروری به نظر می‌رسد. شورای همکاری خلیج فارس تاکنون چنین موافقت‌نامه‌هایی را با برخی کشورهای آسیایی نظیر چین، مالزی و سنگاپور به امضا رسانیده است. تجارت هند و شورای همکاری خلیج فارس فراتر از تجارت نفتی است (Pardahan, ۲۰۱۰: ۳۴). محصول عمده صادراتی هند شامل جواهرات، سوخت‌های معدنی، مس، غلات و آهن بیش از ۵۰ درصد از ارزش صادرات هند به شورای همکاری خلیج فارس را تشکیل می‌دهند. همچنین ۵ محصول عمده وارداتی ۱۷ درصد از ارزش سبب وارداتی هند از شورای همکاری خلیج فارس را تشکیل می‌دهند. هند و قطر در زمینه‌های دفاعی در ۲۰۰۸، در طول بازدید منموهمان سینگ از قطر یک توافق همکاری امضا کردند، این توافق رنجی از موضوعات امنیتی شامل تروریسم، امنیت دریایی و جرایم سازمان‌یافته فراملی را شامل می‌شود.

۵. تبیین یافته‌ها

از اوایل دهه ۱۹۹۰، راهبرد کلان هند از تجدید نظرطلبی با اهداف نامحدود نسبت به نظم بین

المللی به تجدید نظر طلبی با اهداف محدود دگرگون شده است. در واقع مجموعه ای از عوامل که سبب شده بود هند از بدو استقلال تا پایان جنگ سرد راهبردی تجدید نظرطلبانه با اهداف نامحدود در پیش گیرد به تدریج دگرگون شدند، در سطح درونی اخلاق گرایی به مثابه گفتمان غالب بر سیاست گذاری های داخلی و خارجی پس از چهار دهه اعتبار خود را از دست داد و گفتمان های ملی گرایی هندو، لیبرالیسم و واقع گرایی در درون هند رشد یافته و تا اوایل دهه ۱۹۹۰، بر فرایند سیاست گذاری داخلی و خارجی کشور مسلط شدند، این گفتمان ها بر خلاف اخلاق گرایی بر توسعه هند بر پایه عمل گرایی اقتصادی در سیاست خارجی تمرکز داشتند.

در سطح منطقه ای، دگرگونی چین از دولتی با اهداف انقلابی به دولتی توسعه گرا و افزایش فزاینده ثروت و قدرت آن، چالش های ایدئولوژیکی گذشته پکن را برای هند با چالش های ناشی از نفوذ فزاینده اقتصادیش بویژه در آسیای جنوب شرقی جایگزین کرده بود و در سطح بین المللی نیز فروپاشی شوروی همچنان که اعتبار الگوی شبه سوسیالیستی اقتصادی هند را با چالش هایی اساسی مواجه می کرد، آزادی عمل هند در سیاست خارجی را نیز محدود نموده و راهبرد عدم تعهد را نیز نامربوط می نمود. مجموعه این تحولات در کنار بحران اقتصادی داخلی همزمان با نخست وزیری نارسیمهارائو هند را به تغییر سیاست خارجی از جهان سوم گرایی به عمل گرایی اقتصادی ناگزیر کرد (بهرامی مقدم، ۱۳۹۳). در متن چنین تحولی هند در آغاز راهبرد عمل گرایانه نگاه به شرق را در خصوص روابط با دولت های جنوب شرقی آسیا مطرح کرد. سپس دامنه دگرگونی سیاست خارجی هند به طرح راهبرد نگاه به غرب در ۲۰۰۵ میلادی منجر شد که بر اساس آن تحول سیاست خارجی هند در گستره وسیع خاورمیانه و آفریقا به عمل گرایی اقتصادی مفصل بندی شد (رک: ارغوانی پیرسلامی، ۱۳۸۹). در بطن این تحولات سیاست خارجی هند نسبت به دولت های حوزه شورای همکاری خلیج فارس متحول شده است. در نتیجه سیاست هند در خصوص دولت های حوزه شورای همکاری خلیج فارس در کنار متغییر سنتی رقابت با پاکستان و چالش رقابت تحول یافته چین بر اساس ضرورت های توسعه اقتصادی هند بازتعریف شده است. در عصر جنگ سرد هند از رهبران انقلابی و چپ گرای دنیای عرب از جمله ناصر در مصر و صدام حسین در عراق حمایت می کرد. در حالیکه این دولت ها رقبای پادشاهی سعودی و دیگر شیخ نشین های حوزه خلیج فارس محسوب می شدند. از طرفی این دولت های محافظه کار بطور غالب از پاکستان در رویارویی با هند حمایت می کردند. در پی تحول سیاست خارجی هند به عمل گرایی اقتصادی، همانگونه که تجارت و

بازرگانی هند رو به رشد می گذاشت، همکاری های اقتصادی پیوندهای نیرومندی در بین هند و این دولت های محافظه کار شکل می داد.

در این میان در نفت کالای ارزشمند اولیه در گسترش این مناسبات بوده است. افزایش تولید و صادرات نفت در حوزه خلیج فارس و رشد اقتصادی، صنعتی هند دو طرف را به همکاری در زمینه های مختلف صنعت نفت و گاز سوق داده است. همزمان هند به عنوان اقتصادی نوظهور به حوزه شورای همکاری خلیج فارس به مثابه بازارهایی چشمگیر برای صادرات نگریسته است.

روند آزادسازی اقتصادی هند رغبت این دولت را برای جستجوی بازارهای بیشتر در حوزه خلیج فارس افزایش داده است. تقاضای فزاینده هند برای واردات نفت و گاز و نیز جذب سرمایه های خارجی، هند را به شریکی برجسته برای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تبدیل کرده است. همچنین بالغ بر شش و نیم میلیون نفر از شهروندان هند به عنوان کارگر ساده و متخصص در بخش های مختلف اقتصادی این کشورها شاغل هستند که علاوه بر مساله اشتغال سالیانه رقم قابل توجهی ارز خارجی به هند انتقال می دهند، بنابراین هند بر پایه واردات نفت و گاز، صادرات کالا، انتقال درصدی از نیروی کار و جذب سرمایه های مستقیم، فرصت هایی چشمگیر در حوزه شورای همکاری خلیج فارس یافته است، علاوه بر آن رقابت ژئوپولیتیکی با پاکستان و چین، محرک هایی نیروند هستند که هند را به گسترش همکاری در زمینه های مختلف در حوزه شیخ نشین ها و پادشاهی های خلیج فارس ترغیب کرده است.

گسترش روابط هند با این دولت ها پیامدهایی برای منافع ایران داشته است، از جمله این که نقش قطر، عربستان و کویت در تامین تقاضای نفت و گاز وارداتی هند از رغبت دهلی نو برای گسترش همکاری در بخش های انرژی ایران کاسته است. بویژه این که تحریم های بین المللی با محوریت آمریکا در خصوص مساله هسته ای هزینه های گسترش همکاری های اقتصادی را با ایران افزایش می داد. بطوریکه جایگاه ایران از رتبه دومین صادرکننده نفت به هند به رتبه ششم تنزل یافته است، این عوامل در کنار چالش های ژئوپولیتیکی با پاکستان و نیز فشارها و مشوق های آمریکا بر محاسبات دهلی نو در خصوص انصراف از همکاری در خط لوله صلح نقش حیاتی بازی کرده است. گسترش همکاری های اقتصادی و بازرگانی هند و شورای همکاری خلیج فارس را به سوی کاهش تعرفه ها و موانع تجاری سوق داده است و بر این اساس هند و شورای همکاری خلیج فارس مذاکرات در خصوص توافق تجارت آزاد فی مابین را از سرگرفته اند. توافقی که خود به محرکی برای گسترش بیشتر حضور اقتصادی هند در حوزه شورای همکاری خلیج فارس خواهد شد.

نتیجه

هند از بدو استقلال در ۱۹۴۷ از استعمار بریتانیا، بر اساس ارزش های انقلابی قواعد سیاست قدرت در عرصه بین المللی را به انتقاد می گرفت. نهر و اولین تخست وزیری هند که نفوذی کلیدی بر سیاست خارجی کشور داشت، بر این باور بود که ارزش ها و شیوه هایی را که جنبش ضد استعماری هند با توسل به آنها و دور از خشونت توانسته است بر استعمار پیروز شود را می توان برای تحول در عرصه بین المللی نیز بکارگرفت، چنین ایده هایی به پی ریزی جنبش عدم تعهد انجامید که نهر و نقشی مهم در شکل گیری آن بازی کرد. جنبش عدم تعهد اصولی برای روابط دولت های تازه استقلال یافته در عرصه بین المللی مطرح می کرد و نهر و امیدوار بود که این اصول همزیستی مسالمت آمیز و اجتناب از سیاست قدرت و ورود به اتحادیه های ابرقدرت ها به تحول در قواعد رفتار دولت ها در سیاست بین المللی منجر شود.

در واقع محرک اساسی چنین سیاست هایی ارزش ها و میراث مبارزات ضد استعماری در درون هند بود که فضای دو قطبی جنگ سرد به دهلی نو فرصت هایی بیشتر برای مطرح کردن و جستجوی ایده آل هایش در سیاست خارجی می داد اما فشارهای ژئوپولیتیکی ناشی از احیای همبستگی چین انقلابی و نیز رقابت های امنیتی با پاکستان و علاوه بر آن تجدید مناسبات چین کمونیست و ایالات متحده از اواخر دهه ۱۹۶۰، هند را به ناگزیر به انحراف از ایده های انقلابی و نزدیکی با شوروی و متحدین منطقه ایش از جمله در خاورمیانه سوق داد.

پیش از آن نیز هند الگوی اقتصادی شبه سوسیالیستی اتخاذ کرده بود که به مراتب دهلی نو را از آمریکا دورتر می نمود و به سوی شوروی متمایل می کرد. بر این اساس هند پیوندهای نزدیکی با رقبای پرنفوذ منطقه ای پادشاهی ها و شیخ نشین های عربی حوزه خلیج فارس برقرار کرده بود و در واقع با گسترش روابط سیاسی با قاهره و بغداد در عمل به سیاست های شوروی در خاورمیانه نزدیک شده بود، در حالی که شیخ نشین ها و پادشاهی های عرب حوزه خلیج فارس به ائتلاف با ایالات متحده روی آورده بودند و در معادلات منطقه ای جنوب آسیا از پاکستان بر علیه هند پشتیبانی می کردند. این وضعیت از اوایل دهه ۱۹۹۰ دگرگون شده است و هند در کنار عوامل ژئوپولیتیکی رقابت با چین و پاکستان، تحت تاثیر الزامات توسعه اقتصادی داخلی سیاست هایی عمل گرایانه در حوزه شورای همکاری خلیج فارس در پیش گرفته است.

این تحول جزوی از تحول و انتقال کلان سیاست خارجی هند است که در نتیجه فشارهای ناشی از ضرورت های بقا در سیاست بین الملل، خود را از تعهد به دگرگونی قواعد سیاست قدرت در

عرصه بین‌المللی رها کرده و به مثابه دولتی جامعه‌پذیر شده در محیط آنارشیک بین‌المللی با رهیافت‌هایی عمل‌گرایانه در جستجوی اعتنای فرصت‌ها و کسب منافع بیشتر است، در این راستا دهلی‌نو به فرصت‌های چشمگیر اقتصادی و بازرگانی در حوزه شیخ‌نشین‌ها و پادشاهی‌های شورای همکاری خلیج فارس چشم دوخته است و در کنار آن متغیرهای ژئوپولیتیکی چین، پاکستان، ایران و اسرائیل را نیز در روابطش با این دولت‌ها مورد محاسبه قرار داده است. در واقع همان‌گونه که چین و پاکستان رقاباتی منطقه‌ای برای هند محسوب می‌شوند، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز ایران را رقیبی منطقه‌ای می‌دانند و معطلات لاینحلی با اسرائیل دارند. از طرفی هند روابطی نزدیک با ایران و اسرائیل نیز برقرار کرده است و گسترش روابط هند با هر کدام از این دولت‌ها بر مناسباتش با دیگر دولت‌ها تأثیرگذار است. در نتیجه هند از میان فشارهای متعارض منافع ملی خود را با محاسبه الزامات توسعه داخلی و متغیرهای ژئوپولیتیکی در حوزه دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس جستجو می‌کند.

منابع

- ۱- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز، **رویکرد نوین سیاست خارجی هند در آفریقا: الزام ژئواکونومیک در عصر وابستگی متقابل**، فصلنامه مطالعات آفریقا، شماره ۲۱، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
- ۲- بهرامی مقدم، سجاد، **دگرگونی سیاست خارجی هند از جهان سوم گرایی به عمل گرایی اقتصادی**، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۳.
- ۳- سیمبر، رضا، سجاد بهرامی مقدم و مهدی زیبایی، **سیاست خارجی هند**، رشت، اداره چاپ و انتشارات دانشگاه گیلان، ۱۳۹۴.
- ۴- سیمبر، رضا و سجاد بهرامی مقدم، **تحول سیاست خارجی هند در حوزه جنوب شرقی آسیا**، فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، شماره ۱۹، بهار ۱۳۹۵.
- ۵- شفیعی، نوذر و مریم اسکندری، **بحران کشمیر: ارزیابی سناریوهای حل بحران**، مجله رهیافت های سیاسی و بین المللی، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۹۰.
- ۶- Agha, Qamar, '**India's Economic Diplomacy in the Gulf**,' in Rajendra M. Abhyankar (Ed.) *West Asia and the Region: Defining India's Role*, New Delhi: Academic Foundation, ۲۰۰۸, pp. ۱۳۹-۵۶.
- ۷- Agwani, M.S., '**India, Pakistan, and West Asia**,' *International Studies*, ۱۹۶۶, ۸:۱-۲, pp. ۱۵۸-۶۶.
- ۸- Ahmad, Maqbul, '**Indo-Arab Relations**,' Bombay: Popular Prakashan, ۱۹۶۹.
- ۹- Ahmed, Faisal, '**India and the GCC - Trade and Geopolitical Engagements**,' in Anwar Alam (Ed.) *India, Global Powers and West Asia: Political and Economic Dynamics*, New Delhi: New Century Publications, ۲۰۱۱.
- ۱۰- Ahmed, Zahid Shahab and Bhatnagar, Stuti, '**Gulf States and the Conflict between India and Pakistan**,' *Journal of Asia Pacific Studies*, ۲۰۱۰, ۱:۲, pp. ۲۵۹-۹۲.
- ۱۱- Alam, Imran, and Shahid Ahmed, '**India-Saudi Arabia Bilateral Trade Relations: Recent Experiences and Future Opportunities**,'

International Journal of Economics and Empirical Research, ٣,٧, ٢٠١٥, ٣٢٧-٣٤٢.

١٢-Agarwal, Rajeev, `Persian Gulf ٢٠١٣: India's Relations with the Region, ` Indian Foreign Affairs Journal, ٩,١, ٢٠١٤, pp. ٧٢.

١٣-Al Razni, Khalid, `Kuwait's Role in the Indian Market,' in S.N. Malakar (Ed.), India's Energy Security in the Gulf, New Delhi: Academic Excellence, ٢٠٠٦.

١٤-Al-Rfou'h, Faisal Odeh, `India and the Arab World: Retrospect and Prospects,' in N.N. Vohra (Ed.), History, Culture and Society in India and West Asia, ٢٠٠٣, New Delhi: India International Centre and Shipra.

١٥-Al-Sabah, Raska, `Kuwait and India: Historical, Cultural and Social Bonds,' in N.N. Vohra (Ed.), History, Culture and Society in India and West Asia, New Delhi: India International Centre and Shipra, ٢٠٠٣.

١٦-Ansari, Hamid, "India and West Asia in the Era of Globalisation" in Anwar Alam (Ed.) *India and West Asia in the Era of Globalisation* (New Delhi: New Century Publications), (٢٠٠٨). pp. ٣-٩.

١٧-Azhar, Muhammad, "Economic Cooperation between India and Saudi Arabia: Performance and Prospects," *Middle Eastern Studies*, (٢٠٠٨). ٤٤:٢ (pp. ٣٢٣-٣٤).

١٨-Breeding, Mary. "India-Persian Gulf Migration: Corruption and Capacity in Regulating Recruitment Agencies." *Migrant Labour in the Persian Gulf* (٢٠١٢): ١٣٧-٥٤.

١٩-Bishara, Fahad Ahmad, and Patricia Risso. "The Gulf, the Indian Ocean and the Arab World." *The Emergence of the Gulf States: Studies in Modern History* (٢٠١٦): ١٥٩.

٢٠-Brewster, David. "India and the Persian Gulf: Locked out or staying out?." *Comparative Strategy* ٣٥,١ (٢٠١٦): ٥٨-٧١.

٢١-Joshi, Shashank. "India and the middle east." *Asian Affairs* ٤٦,٢ (٢٠١٥): ٢٥١-٢٦٩.

- Hu۲۲-ssain, Mushtaq "India-Israel Relations: Towards 'Strategic Cooperation,'" MEI (Delhi). Occasional Paper, (۲۰۱۲). no. ۲۹.
- ۲۳-Khan, Zahid Ali "Development in Indo-Israel Defence Relations Since ۹/۱۱: Pakistan's Security Concern and Policy Options," *South Asian Studies*, (۲۰۱۱). ۲۶:۱ (pp. ۱۳۱-۵۱).
- ۲۴-Khan, Mohd Tauqueer. "Trade between India and GCC Countries in the ERA of liberalization." (۲۰۱۵).
- ۲۵-Kumaraswamy, P. R., ed. *Persian Gulf ۲۰۱۳: India's Relations with the Region*. SAGE Publications India, ۲۰۱۳.
- ۲۶-Pradhan, Samir. "Oman-India Relations: Exploring the Long-Term Migration Dynamics." *Regionalizing Oman*. Springer Netherlands, ۲۰۱۳. ۱۰۷-۱۲۷.
- ۲۷-Pant, Harsh V. "India and the Middle East: Before and After the Arab Spring." *The International Politics of the Arab Spring*. Palgrave Macmillan US, ۲۰۱۴. ۱۵۵-۱۷۵.
- ۲۸-Pradhan, Samir Ranjan. "Cooperation between India and Gulf cooperation council (GCC) countries in the global oil and gas regime." (۲۰۱۴).
- ۲۹-Roy-Chaudhury, Rahul. "India: Gulf Security Partner in Waiting?." *Adelphi Papers* ۵۴,۴۴۷-۴۴۸ (۲۰۱۴): ۲۲۵-۲۴۶
- ۳۰-RigiLadez, Saeed, and Mohd Asef Khan. "Trade relations between India and Gulf cooperation council countries—An empirical study." *International Research Journal of Business and Management* ۷,۱۱ (۲۰۱۴): ۳۳۰-۳۳۰.
- ۳۱-Sasikumar, S. K., and Rakkee Timothy. "From India to the Gulf region: exploring links between labour markets, skills and the migration cycle." (۲۰۱۵).

- ۳۲-Schweller, Randall L. "Bandwagoning for profit: Bringing the revisionist state back in." *International Security* ۱۹,۱ (۱۹۹۴): ۷۲-۱۰۷.
- ۳۳-Schweller, Randall L. *Deadly imbalances: Tripolarity and Hitler's strategy of world conquest*. Columbia University Press, ۱۹۹۸.
- ۳۴-Schweller, Randall L. "China's Aspirations and the Clash of Nationalisms in East Asia: A Neoclassical Realist Examination." *International Journal of Korean Unification Studies* ۲۳,۲ (۲۰۱۴): ۱-۴۰.
- ۳۵-Schweller, Randall L. "Domestic structure and preventive war: are democracies more pacific?." *World Politics* ۴۴,۰۲ (۱۹۹۲): ۲۳۵-۲۶۹.
- ۳۶-Schweller, Randall L. "The age of entropy. Why the new world order won't be orderly." *Foreign Affairs* ۱۶ (۲۰۱۴).
- ۳۷-Teja, Jaskaran. "India-Iran Relations in a New Context." *American Foreign Policy Interests* ۳۷,۲ (۲۰۱۵): ۸۷-۹۴.
- ۳۸-Varghese, Thresiamma, SACHU SCARIA JOHN, and KARIMA AL QATROOPI. "IS OMAN AND INDIA HAVING SUFFICIENT BILATERAL TRADE?." *Australian Journal of Business and Economic Studies* ۲,۱ (۲۰۱۶).
- ۳۹-Yibo, L. I. "India-GCC Economic Relations: Status Quo and Prospect [J]." *Arab World Studies* ۱ (۲۰۱۳): ۰۰۴.
- ۴۰-Yibo, Li. "On the Transition of Indo-GCC Relations and Its Causes." *West Asia and Africa* ۳ (۲۰۱۳): ۰۱۲.
- ۴۱-Xian, Jia Shuqi Xiao. "India-Saudi Arabia Relationship in the Beginning of the ۲۱st Century and its Impact on China." *Asia & Africa Review* ۱ (۲۰۱۳): ۰۰۸.